

چهره‌های

«تاجر خون به درک واصل شد!»،
«پدر دینامیت منفجر شد!» و ...
این‌ها عنوان‌های بزرگ روزنامه‌هایی
بودند که آلفرد نوبل در دست داشت و
هنگام خواندنشان خشکش زده بود.
روزنامه‌ها خبر مرگ او را با چنین
عنوان‌های عجیبی منتشر کرده
بودند، ولی او هنوز زنده بود!

تاجر

در واقع بنیاد نوبل نه برای جبران
یا شستن خون قربانیان صنایع
نوبل، بلکه برای شستن نام آلفرد
خدمانی برای سفیدنمایی چهره
سیاه تاجر مرگ!

سینمایی

آیا کسی از او به نیکی یاد خواهد کرد؟ آلفرد در پی یافتن راهی بود تا از این گرداب عذاب وجدان و افسردگی خلاص شود. در نهایت فکری به ذهنش رسید.

او که هرگز ازدواج نکرده و صاحب فرزند و وارثی نبود، بنیادی خدماتی و علمی تأسیس و وصیت کرد پس از مرگ بخشی از اموالش به این بنیاد اختصاص داده شود و با سود حاصل از گردش سرمایه این میراث هنگفت، هر ساله افراد نخبه در زمینه‌های علمی از سراسر جهان شناسایی شوند و جایزه‌ای به صورت کمک مالی به آن‌ها اعطا شود. این گونه بود که جایزه نوبل بنا نهاده شد.

اما هرگز کارخانه‌های اسلحه‌سازی او که همه‌ساله محصولاتش جان میلیون‌ها نفر را در سراسر جهان می‌گرفت و مطبوعات به درستی به آن نام تجارت مرگ داده بودند، تعطیل نشدند، بلکه حتی با شروع جنگ‌های گسترده قرن بیستم، بیش از پیش نیز گسترش یافتند. اما آلفرد که به تعطیل کردن آن‌ها و چشم‌پوشی از سود سرشارشان حاضر نبود، ادعا می‌کرد تولیدات شرکت‌های او در جهت صلح‌آمیز مصرف می‌شود! ولی میلیون‌ها قربانی جبهه شرقی جنگ جهانی اول که توپ‌ها و خمپاره‌های شرکت نوبل بر سرشان فرو می‌آمد و میلیون‌ها خانواده‌ای که خانه‌شان تخریب و آواره شده بودند، به هیچ وجه با آلفرد در مورد صلح‌آمیز بودن این صنایع هم‌نظر نبودند.

در واقع بنیاد نوبل نه برای جبران یا شستن خون قربانیان صنایع نوبل، بلکه برای شستن نام آلفرد نوبل تأسیس شده است؛ بنیادی خدماتی برای سفیدنمایی چهره سیاه تاجر مرگ!

اکنون پس از گذشت صدسال از مرگ آلفرد، همه‌ساله افراد متعددی در رشته‌های گوناگون علمی از این مؤسسه جوایز گران‌قیمتی دریافت می‌کنند و از نظر بسیاری از مردم، گرفتن جایزه نوبل یک دستاورد و حیثیت‌پرستی (پرستیژ) علمی است، اما بسیاری دیگر از افراد آگاه هستند که هنوز فراموش

ماجرای برمی‌گشت به چند روز قبل و انفجار در خط تولید بزرگ‌ترین کارخانه دینامیت‌سازی جهان که در اثر آن برادر آلفرد و صدها کارگر دیگر کشته شده بودند. آلفرد نوبل سوئدی و خانواده‌اش صاحب بزرگ‌ترین کارخانه باروت و اسلحه‌سازی اروپا بودند. این مجتمع صنعتی چنان عظیم و گسترده بود که بخش زیادی از نیازهای جنگی بزرگ‌ترین ارتش‌های آن زمان مانند روسیه، پروس و بریتانیا را تأمین می‌کرد. اما به دلیل محدودیت ارتباطات در اوایل قرن بیستم و بازار داغ شایعات، مطبوعات او را

اکثر جنایت‌کاران و سیاست‌مداران بدنام تاریخ مانند مناخیم بگیم، جیمی کارتر، شیمون پرز، جرج مارشال، اسحاق رابین، گورباچف، هنری کسینجر و انور سادات برنده جایزه صلح این بنیاد شده‌اند، ولی امثال مهاتما گاندی، لعل نهر، چگوارا، دکتر مصدق، امام موسی صدر و سایر آزادی‌خواهان واقعی جهان، هرگز از طرف این بنیاد انتخاب نشده‌اند

با برادر کوچک‌ترش اشتباه گرفته بودند و گمان می‌کردند فرد کشته شده صاحب اصلی شرکت بزرگ اسلحه‌سازی یعنی آلفرد است. به همین دلیل با این عنوان‌های عجیب به استقبال مرگ او رفته بودند.

این عنوان‌های درشت و مرگ برادر، وضعیت روحی آلفرد را دگرگون کردند و او به این فکر فرو رفت که بعد از مرگش مردم دنیا درباره او و میراث خون‌بارش چه خواهند گفت؟

نکرده‌اند پول این جایزه از کجا تأمین می‌شود و بنیاد به ظاهر علمی و خدماتی نوبل دقیقاً چه وظیفه‌ای دارد! البته دانشمندان و افراد فرهیخته دیگری نیز از دریافت این جایزه امتناع کرده‌اند. همان‌طور که ژان پل سارتر پس از رد آن گفت: «این مدال بوی تند باروت و خون می‌دهد.»

و اصلاً مگر می‌شود با پول کثیف کار خیر و خدمت صادقانه ارائه کرد؟ اگر خلق خدا فراموش کنند که این پول از کجا آمده و به بهای کشته شدن چند میلیون نفر بوده است، مگر خود خدا فراموش می‌کند؟

شاید حکمت این تناقض تلخ ولی عبرت‌آموز که اکثر جنایت‌کاران و سیاست‌مداران بدنام تاریخ مانند مناخیم بگیم، جیمی کارتر، شیمون پرز، جرج مارشال، اسحاق رابین، گورباچف، هنری کسینجر و انور سادات برنده جایزه صلح این بنیاد شده‌اند، ولی امثال مهاتما گاندی، لعل نهر، چگوارا، دکتر مصدق، امام موسی صدر و سایر آزادی‌خواهان واقعی جهان، هرگز از طرف این بنیاد انتخاب نشده‌اند، همین منشأ کثیف این پول‌ها است که با وجود این همه تلاش صاحبان آن برای سفیدنمایی، باز هم این گونه طنزآمیز چهره واقعی خود را برای اهل نظر نمایش می‌دهد.

نه ثروت تاکنون زاینده مردی نه کاخ و قصر درمان کرده دردی برو انسانیت را مشتری باش قضاوت می‌شوی با آنچه کردی

